



بیانات مقام معظم رهبری در مانور عظیم عاشورا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - 25 / خرداد / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا، ابى القاسم محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. سيما بقيّة الله فى الارضين.

برای بنده، حضور در میان شما جوانان عزیز، که بدون هیچ مبالغه امروز زبدهی جوانان اسلام و سربازان قرآن محسوب می‌شوید، مایه‌ی خرسندی است و خدا را بر این نعمت سپاسگزاری می‌کنم. همچنان که خدا را بر نعمت وجود امثال شما جوانان مؤمن و انقلابی و با اراده و مصمم در دفاع از حق و حقیقت، همیشه سپاسگزارم. نسلی که امروز شما نماینده‌ی آن محسوب می‌شوید و خیل عظیم جوانان مؤمن و متعبدی که شما نمونه‌های برجسته‌ی آن هستید و بحمدالله، در سراسر کشور حضور دارند، همان کسانی هستند که امام بزرگوار درباره‌ی آنان فرمودند: «فتح الفتوح انقلاب اسلامی، عبارت است از تربیت چنین جوانانی.» واقعا هم همین‌طور است.

درباب این مانور عظیم بیش از یکصد هزار نفری، دو نکته عرض می‌کنم: نکته‌ی اول از جهت شکل است. شکل کار، حکایت از این می‌کند که در جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این توانایی و قدرت را پیدا کرده که در مدتی بسیار کوتاه، حضوری همه جانبه و قوی در نقطه‌ی مورد نظر داشته است. این، مایه‌ی افتخار است. این، به برکت ایمان و در سایه‌ی اراده‌ی است که از عشق و ایمان برمی‌خیزد. این، همان روحیه‌ی میدان جنگ، همان روحیه‌ی «کربلای پنج» و «والفجر هشت» است. این، همان اراده‌ی عبور از «اروند» است؛ همان «فتح المبين»، «بيت المقدس» و شکستن حصر آبادان است. مایه، همان است. تفاوتی که پیدا شده، این است که امروز سازماندهی قویتر و منظمتر و فرماندهی، آگاهتر و بصیرتر است و نیروها، به طبیعت کار نظامی، آشنا تر و علاقه‌مندترند. آن روز حضور دشمن در صحنه، هر کسی را به حرکت فرا می‌خواند. امروز، چیزی که همه را به حرکت فرا می‌خواند، حضور «وظیفه» است. آیه‌ی قرآن است که «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخيل.» (45) این، مرتبه‌ی افضل آن چیزی است که کشور و ملت ما، در دوران جنگ تحمیلی مشاهده کردند. این، دشمنان را می‌ترساند و دوستان را خرسند، امیدوار و مطمئن می‌کند. این، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی را دیگر نمی‌توان غافلگیر کرد. این، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی، گل خوشبوی معطر زیبا را، آن چنان بی‌دفاع نگذاشته‌اند که دست دشمن، از هر طرف به تطاول دراز شود و آن را پرپر کند. این، شمشیر ذوالفقار است؛ شمشیر دودمی که هم خوشحال‌کننده‌ی دوستان است، هم ترساننده‌ی دشمنان. هم برای ایجاد آمادگی لازم در هنگام خطر است و هم برای پیشگیری از طمع‌ورزی دشمن. هر ساعتی که شما در این‌جا در صف سان، در هنگام رژه، در هنگام تمرین و مانور می‌گذرانید (یعنی از وقتی که از خانه و شهر خود خارج شدید، تا وقتی که ان‌شاءالله با سلامت کامل به آن‌جا برگردید)، همه‌اش حسنه و صدقه است. هر قدم شما حسنه و صدقه و برای آن نیت و هدف است. وجود همه‌ی آن جماعت عظیم رزمنده‌ی منتشر در سراسر این کشور که امام عزیز این امت درباره‌شان فرمود «مملکتی که اسلامی است، همه‌ی افرادش باید به این معنا نظامی باشند» حسنه و صدقه است. این، در راه آن هدف و برای آن کار است. رزمندگان، بسیج در همه جا حاضر و سپاه و ارتش، باید در همه‌جا این آمادگیها را داشته باشند. این، از جنبه‌ی شکلی قضیه است و تا به حال هم خوب انجام شده است. ان‌شاءالله، تا آخر مانور هم، با دقت و هوشیاری شما، به بهترین وجه انجام می‌گیرد و این برای شما يك ذخیره در راه ایجاد آن نیروی مسلّحی می‌شود که جنبه‌ی الهی و فقی را با هم دارد. کم‌این‌که، بحمدالله، همین حالا هم به میزان زیادی همان‌طور است.

اما از جنبه‌ی معنوی و واقعی. ملت‌های جهان و تاریخ بشر، آموخته و دیده است که جماعتی ملت و کشوری در طول تاریخ، در همه جای عالم زحمت می‌کشند، تلاش می‌کنند، دشمن را سر جای خود می‌نشانند، فداکاری از خود نشان



می‌دهند و افتخار می‌آفرینند تا این‌که پیروزی نصیبشان می‌شود. سرنوشت اغلب این کشورها و ملت‌ها چنین رقم خورده که بعد از آن‌که پیروزی را با زحمت به دست آوردند، به داخل خانه‌ها و جوامع و شهرها و روستاها رفته و مشغول زندگی شده‌اند و چرب و شیرین زندگی را زیر دندانهای خود مزمزه کرده‌اند. از یادشان رفته که دشمن هم داشته‌اند و افتخار پیروزی را با چه بهای سنگینی به دست آورده‌اند. خوابشان برده و دشمنی که در میدان جنگ در مقابل آنها شکست خورده بود، بعد از دوران جنگ به سراغشان آمده و با آسودگی و بدون زحمت، دستاورد عزیزی را که آن همه برایشان قیمت داشت، از آنها ربوده و برده است.

تاریخ را نگاه کنید و ببینید که این سرنوشت بسیاری از کشورهاست. این، سرنوشت بسیاری از ملت‌های غافل است. کسانی بودند که حتی در دوران جنگ هم، به جای این‌که به خطر دشمن بیندیشند، به زندگی راحت و برهم نخوردن آرامش مادی زندگی می‌اندیشیدند و اگر یک ذره از گوشه‌ی آرامش مادی آنها ساییده می‌شد، همه کس را مورد اعتراض قرار می‌دادند. بعد از دوران جنگ و قبول آتش‌بس از سال شصت و هفت به این طرف هم، چنین آدم‌ها و روحیه‌هایی بوده است. ما هم مثل بقیه‌ی جوامع بشری هستیم و همان آفت‌ها، همان خطر‌ها و همان سرنوشت‌ها، ما را هم تهدید می‌کند.

نه این‌که یک کشور در دوران صلح نباید از نتایج صلح قدرتمندانه‌ی خود استفاده کند. صلح و زندگی، مال این ملت است. کشور، مال این ملت است. باید از نعمات این کشور استفاده کنند. باید کشورشان را بسازند و باید آبادی را روزه‌روز بیشتر کنند. اگر شما به قرآن کریم نگاه کنید، یکی از مفاهیمی که از سوره‌ی مبارکه‌ی «بقره» تا سوره‌ی آخر قرآن (سوره‌ی «والثاس») در قرآن بسیار تکرار می‌شود، مفهوم «شیطان» است. این‌که ایمان آوردیم و پشت شیطان را به خاک رساندیم، کار تمام نمی‌شود. این برای آن است که یک ملت آگاه و فرزانه و بیدار و دارای تحلیل، نباید از وجود، حضور، خطر، توطئه و کید و خبثت دشمن غافل بماند. امروز، به فضل پروردگار، نیروهای مسلح ما چه ارتش و چه سپاه در سرتاسر این کشور مشغول کارهای آبادانی‌اند: جاده می‌سازند، اتوبان می‌سازند، سد می‌سازند، کارهای عمرانی می‌کنند، مزرعه راه می‌اندازند و خیلی کارهای دیگر می‌کنند. یعنی جوانان این ملت، ولو در لباس نظامی، همیشه می‌خواهند و می‌توانند برای کشورشان مفید باشند. اما عرض من این است که خبره‌ی جوانان این مملکت و سید فداکاران این ملت، کسانی هستند که در همه حال متوجه باشند که این امانت حاکمیت اسلام که امروز در دست آنهاست، امانتی از همه‌ی پیامبران و اولیا و امامان است. این، آرزوی همه‌ی کسانی بود که در دوران محرومیت انسانها از حاکمیت الهی، در غربت مردند و در شکنجه‌گاه‌ها رنج کشیدند و آرزو کردند که خدای متعال یک وقت به آنها فرج دهد. این، آرزوی همه است و نتیجه‌ی قرن‌هاست. باید با همه‌ی توان، قدرت، هوشیاری و بیداری، از این محافظت کرد.

البته محافظت فرهنگی داریم، محافظت اقتصادی داریم، محافظت علمی و سیاسی داریم. اما اگر محافظت نظامی نباشد؛ اگر این آمادگیها نباشد، همه‌ی آنها در یک نصف روز، قابل به هدر رفتن هستند. علیه ما جنجال می‌کنند که «جمهوری اسلامی، نظامیگر است.» بوق و قلم و همه چیز در دست دشمن است؛ شما از دشمن چه انتظاری دارید؟! از دشمن انتظار دارید که از اسلام و امام بزرگوار و امت اسلامی و جمهوری اسلامی ستایش و تعریف کند؟! معلوم است که بد می‌گویند! معلوم است که تهمت می‌زنند؛ تهمت نظامیگری هم می‌زنند! این نباید موجب شود که ما آمادگی نداشته باشیم.

دنیا بداند که ما اهل تهاجم، فساد، ظلم و ایجاد بی‌عدالتی نیستیم؛ اما اهل تسلیم هم نیستیم. دنیا بداند که تهدید نظامی، تهدید اتمی، تهدید محاصره‌ی اقتصادی و تهدید همدست شدن، در ملت ایران اثر نمی‌کند؛ چون ملت ایران متکی به خداست.

آن روز این فقره از دعا را در جایی خواندم: «عزّ جارك و جلّ ثناؤك و تقدّست ألائك ولا اله غيرك.» این ملت، جارالله



است. این ملت، متکی به خداست. خدا را قبول دارد و برای خدا حرکت می‌کند. کسی که متکی به خداست، عزیز است. خدا همپیمان خود و بندگان و مخلصان خود را در وسط میدان وانمی‌گذارد. عزیزان من! مگر در این شانزده سال، خدا ملت ایران را وا گذاشت؟! والله بعد از این هم، تا شما در این راه باشید، خدا شما را وا نمی‌گذارد. این راه، راه خدا، راه افتخار و راه بهشت است؛ اما لطف خدا برای اهل این راه، فقط مخصوص نشئه‌ی بعد از مرگ نیست. «و آخری تحبونها نصرٌ من الله و فتحٌ قریب فبشر المؤمنین.» (46) طبیعت این راه چنین است. حالا آمریکا و مستکبرین عالم و صهیونیستها و کمپانی‌دارها و مزدورهای پست و نوکرهای حقیرشان، هرچه می‌خواهند بگویند. آنها مسائل ایران را نمی‌فهمند و تحلیل نمی‌کنند. این ملت، ملت عزیز و مؤمنی است. این نظام، نظام الهی است. ملت مؤمن ما، ملتی است کهن؛ اما جوان. امروز جوان، چهره‌ی اصلی این ملت را تشکیل می‌دهد. این ملت جوان و پُرشور ایستاده است تا راه سعادت را که شروع کرده است به پایان ببرد و برای ملت‌های دیگر سرمشق باشد. اگر شما توانستید از این گردنه عبور کنید که بیشتر از نصف آن را تا به حال عبور کرده‌اید برای ملت‌های دیگر تجربه خواهد شد. آمریکا هم از همین می‌ترسد. آمریکا می‌خواهد به گونه‌ای، نگذارد که شما این گردنه را تمام کنید؛ یا شما را در گردنه سرنگون کند، که می‌داند این کار نشدنی است. این را می‌داند که نخواهد شد؛ لذا می‌کوشد کاری کند که خود شما بتدریج معتقد شوید که «چه لزومی دارد؛ خوب است برگردیم!» سعی می‌کند که خود شما معتقد شوید که «ره چنان رو که رهروان رفتند.» مثل بقیه‌ی دولت‌ها و حکومت‌ها و کسانی که آمریکا از آنها خوشش می‌آید و آنها هم از آمریکا خوششان می‌آید، زندگی کنیم. اما آمریکا، بد فهمیده است. به فضل پروردگار، عنایات و الطاف حضرت ولی‌الله الاعظم روح عالم وجود و دردانه همه‌ی هستی که خدا در معرفت و محبت او بر ما متّ نهاده است شامل این ملت خواهد شد.

از یکایک شما عزیزانی که حضور پیدا کردید؛ مخصوصاً از فرماندهان عزیز سپاه و کسانی که در کار این مانور این همه تلاش کرده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم. امیدوارم که ان شاءالله این ساعات را تا انتهای مانور، با دقت و مراقبت و کاردانی و موفقیت هرچه بیشتر بگذرانید و این کار بزرگ را به بهترین وجه تمام کنید. ان شاءالله قلب مقدّس ولیّ عصر و روح مطهّر امام بزرگوار را بیش از پیش از خودتان خشنود کنید و ان شاءالله یاد شهدای عزیز دوران جنگ و انقلاب و سرداران بزرگ و کسانی را که همه‌ی آنچه هست یادگار آنهاست، روزبه‌روز زنده‌تر، و جانبازان و ایثارگران و مفقودان و آزادگان و خانواده‌های عزیزشان را سربلند و شاد کنید.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

(45) انفال: 60

(46) صف: 13